



یادداشت



آنجا که صدای خنده بچه‌ها بلند است

■ مینا صدرا

معلم پایه پیش دبستانی دخترانه ناحیه یک



مینا صدرا، در سال ۱۳۹۹ مدرک کارشناسی زبان و ادب فارسی خود را از دانشگاه سراسری یزد دریافت کرد و اکنون دانشجوی ارشد زبان و ادبیات فارسی است. از سال ۱۴۰۲ با حضور در پیش دبستانی جوادالائمه (ع) دنیای یک معلم پیش دبستانی را تجربه می‌کند.

بازی سکوی پرشی است که ذهن کودک را به دنیای واقعی پیوند می‌زند. وقتی او خانه‌ای با بلوک‌های چوبی می‌سازد، اصول معماری و تعادل را تجربه می‌کند. وقتی در نقش پزشکی کوچک ظاهر می‌شود، مهربانی و مسئولیت‌پذیری را می‌آموزد. هر دویدن، پریدن، لمس کردن و کاوش کردن هزاران مفهوم نهفته را در ذهنش بیدار می‌کند. بازی یادگیری را ملموس می‌سازد و کودک از طریق تجربه‌های شیرین و لذت‌بخش، دانسته‌هایش را در حافظه‌ای ماندگار ثبت می‌کند.

بدین منظور و با این نگاه، برای آموزش الگو با ریتم، بازی‌ای را طراحی کردم که در آن کودکان باید دو بار دست می‌زدند، یک بار روی میز می‌زدند و پا را به زمین می‌کوبیدند. این فعالیت نه تنها مهارت‌های شنیداری و حرکتی را در آن‌ها تقویت می‌کند، بلکه مفهوم الگو را هم به شیوه‌ای عملی و لذت‌بخش به آن‌ها یاد می‌دهد. صدای خنده‌ها و هماهنگی حرکات بچه‌ها را در روزی که این بازی را انجام می‌دادیم، به یاد دارم. خنده‌هایی که نشان از یادگیری عمیق و ماندگاری داشت که با بازی در ذهنشان حک می‌شد.

چه شیرین است لحظه‌ای که کودک در میان داستان‌ها و بازی‌ها، بی‌آنکه بداند، عطر آگاهی را استشمام می‌کند و در باغ سبز دانایی، گل‌های فهم و شعور را به تماشا می‌نشیند. اینجاست که یادگیری، نه وظیفه‌ای سنگین که نغمه‌ای دل‌انگیز است که با طبیعت دانستن هم‌آومی شود. ■

باغ پرشکوفه دانایی جایی است که «خواندن» و «بازی کردن»، همچون دو گوهر درخشان، روشنی‌بخش راه کودکی‌اند. خواندن چشمه زلال معرفتی است که جان را سیراب می‌کند و بازی جویباری شادمانه که بذره‌های آموختن را در زمین حاصلخیز ذهن می‌پراکند.

خواندن پله‌ای است که کودک را به اوج دانایی می‌رساند و بازی پلی که از دنیای کودکی‌اش به دنیای اندیشه راهی می‌گشاید. این دو، دست در دست هم، قصه‌ای جاودان از یادگیری می‌سازند؛ قصه‌ای که در آن، کودک با چشمانی پر از اشتیاق، هر روز صفحه‌ای تازه از دانایی را ورق می‌زند.

بازی، آن نیروی جادویی که از جنس شادی و هیجان است، جان تازه‌ای به یادگیری می‌بخشد. کودک در دل بازی، بی‌آنکه بداند، ریاضی را در شمارش مهره‌های رنگین می‌آموزد، فیزیک را در افتادن و برخاستن کشف می‌کند و مهارت‌های زندگی را در هم‌بازی شدن با دیگران فرامی‌گیرد. او در میان خنده‌ها و جست‌و‌خیزها، قواعد جهان را می‌آموزد، بی‌آنکه از سنگینی آموزش خسته شود.